

تیم فوتبال ایران 3 بر 1 به تیم ملی فوتبال مکزیک باخت و زمین را ترک کرد. همه آنها که این بازی را دیده اند متفق القول اند، که بازیکنان ایران، در نیمه دوم بازی حتی آن مقدار تحرک نیمه اول بازی را هم نداشتند. این بی تحرکی بتدریج به آشفتگی در دو خط حمله و دفاع نیز انجامید، چنان که گل دوم حاصل یک عقب نشینی و بازی خودی با خودی بود. یعنی توپ را در یک عقب نشینی شتابزده و ترسیده از حریف، برای دروازه بان خودی فرستادند و بازگشت ناتوان و کم بُرد آن از سوی دروازه بان در فاصله ای کوتاه از دروازه ایران بدست مکزیکی ها رسید و آن را گل کردند. گل سوم نیز حاصل آشفتگی و فلج شدن خط دفاعی ایران بود. سن بالای برخی بازیکنان ایران شاید در کمبود آشکار انرژی بازیکنان ایران در نیمه دوم موثر بود، اما شادی پس از گل نخست ایرانی ها در میان اعضای تیم حاضر در زمین، خیلی زود آشکار ساخت که رقابتی بر تیم حاکم است که ارتباطی با رفاقت در زمین بازی ندارد. شاید بی حالی تیم ایران بویژه در نیمه دوم بازی انگیزه و دلایل دیگری داشته که قطعاً در روزهای آینده و از زبان آنها طرح خواهد شد، اما نمی توان روحیه زیر فشار تیم ایران بر اثر تظاهرات مخالفان خارجی و داخلی سیاست های حاکم و دولت احمدی نژاد را نیز نادیده گرفت. انتشار عکس های تیم ایران با احمدی نژاد در آستانه رسیدن تیم به آلمان، در مطبوعات این کشور و اروپا، و چهره زشت سیاسی- جنگی که از وی در اذهان عمومی مردم اروپا ترسیم شده و حتی مخالفت هایی که مردم در آلمان بر سر احتمال سفر احمدی نژاد به این کشور در تماس ها و گفتگوهای مطبوعاتی و تلویزیونی دارند و... نیز در این باخت سهم داشت و همین سهم بود که در حمایت بسیار پرشور تر تماشاچی ها از تیم مکزیک از ابتدای بازی بازتاب یافت. اکثریت مردم آلمان از فاشیسم نه تنها نفرت دارند، بلکه از آن بیم نیز دارند. هنوز و همچنان از تلویزیون های آلمان در طول هر هفته فیلم های مستندی در باره جنایات نازی ها پخش می شود و در این فضا انکار هولوکاست توسط رئیس جمهور ایران چه واکنشی می تواند در آلمان و اروپای متنفر از نازیسم ببار آورد؟ نفرت مردم فرانسه، لهستان، روسیه، چک و... از نازیسم و دوران هیتلر ارتباطی با کشتار یهودیان ندارد که دولت احمدی نژاد مدعی شود یهودی ستیزی نازی ها را بزرگ نمائی کرده اند تا اسرائیل را تاسیس کنند. مردم اروپا از کشتار، اختناق، فضای هولناک امنیتی دوران فاشیسم، اشغال سرزمینشان توسط ارتش بیگانه... نفرت دارند. مردم اروپا از جنگ و ترور نفرت دارند و به همین دلیل از عروج چهره ای انسانی و متفکر مانند خاتمی در ایران استقبال کردند و در آن سالها، علیرغم آنکه خاتمی روحانی و معمم بود، محبوب ترین چهره های سیاسی جهان در میان مردم شده بود. همچنان که احمدی نژاد با آنکه معمم نیست چهره ای نا پسند و طرد شده است در اروپا. این بیم و نفرت را در واکنش به تظاهرات گروه های جوان و شبه نازی را همه در اروپا شاهدند، همچنان که در واکنش نسبت به سر و مو و لباس های آنها در اماکن عمومی و وسائط نقلیه عمومی. و زمانی که همین گروه ها به حمایت از احمدی نژاد تظاهرات می کنند و دور و بر محل بازی جمع می شوند و یا در یک گوشه استادیوم، منزوی اما پرهیاهو از ایران احمدی نژاد حمایت می کنند، وقتی مطبوعات اشاره به رسیدن پول برای همین گروه ها از طرف دولت احمدی نژاد می کنند، حدیث مفصل را بخوانید از این مجمل

وضع آشفته باشگاه های ایران، کنترل و محدود ساختن مسابقات باشگاهی در سراسر ایران از بیم تظاهرات مردم در پایان این بازی ها، تحریم بازی تمرینی با ایران در ماه های قبل از آغاز بازی های کنونی و تشویق و ترویج و حتی تحمیل خرافات به تیم و اعضای آن، که در سخنرانی و دیدار آخر احمدی نژاد با فوتبالیست های تیم ملی منعکس شد و بارها از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد (بگید یا محمد و بزیند توی دروازه/ اگر به فکر خدا باشید گل می زنید و...) همه اینها در روح مردگی تیم در نیمه اول و فلج تیم در نیمه دوم موثر بود. چهره های شناخته شده تیم، هنوز همان چهره هایی هستند که در سالهای اصلاحات به بازیکنان برتر معروف شدند و در سالهای سرکوب اصلاحات چهره های جدید به فوتبال ایران افزوده نشده است. ورزشکارانی که به حمایت از اصلاحات و انتخابات دوم خرداد به میدان آمدند و لیست فوتبالیست های ایران برای مجلس ششم از اقبال عمومی

برخوردار شد، سرکوب روحی و کنترل امنیتی شده اند تا در این مقولات وارد نشوند. و این درست در جهت مخالف موقعیت فوتبالیست ها و ورزشکاران در کشورهای دیگر جهان است. وقتی، حتی اظهار نظر حرفه ای ورزشکاران ایران- و در راس آنها فوتبالیست های ایران- و انتشار آن در مطبوعات با کنترل امنیتی و سانسور همراه است و قد و نیم قدهای اداره کننده ورزش ایران، باشگاه ها و فوتبال ایران با خط کش نزدیکی و دوری با فرماندهان سپاه و دارو دسته تاریخ اندیشان مذهبی متر می شود. وقتی باشگاه های ایران و مدیریت ورزش ایران مانند زمان شاه که به فرمان ملوکانه در اختیار تیمساران و سرهنگان بود، به سرداران پنهان و آشکار سپاه سپرده شده، حاصل جز این می تواند باشد که در بازی مکزیک- ایران بدست آمد؟ یقین داشته باشیم که همین نتایج را در کشتی و وزنه برداری ایران هم بدست خواهیم آورد. این روح مردگی در تیم و واکنش تماشاچی ها و خارجی های حاضر در استادیوم در تشویق مکزیکی ها، همان روح مردگی در میان مردم ایران در داخل کشور و واکنش های جهانی نسبت به سیاست های دولت حاکم ایران است که در فوتبال ایران- مکزیک نیز بازتاب یافت. فوتبالیست های ایران و تیم فوتبال ایران هم در پیوند است با بقیه مسائل ایران و حاصل بازی مکزیک - ایران، نتیجه بازی جهان با ایران است، همچنان که روحیه در هم شکسته و بی اعتنائی به برد و یا باخت در میان اعضای تیم، روحیه مردم ایران در برابر حوادثی است که همه در ارزیابی از آینده ایران به آن اشاره می کنند! از کوزه فوتبال ایران، همان تراوید، که امروز در جامعه ایران می تراود

به فضای امنیتی ایران- بویژه تهران- در ساعات برگزاری این مسابقه نگاهی بیاندازید و ساعات عملا حکومت نظامی در خیابان ها و پارک های تهران برای پیش بینی شادی مردم بر اثر برنده شدن تیم ایران و سرکوب این شادی. ریشه باخت را اینجاها باید جستجو کرد، نه در زمین و فضای و هوای مناسب و استثنائی آلمان در روز! برگزاری مسابقه ایران و مکزیک